

پناه بر خدا!

هوم جعفری

روزنامهنگار

بخشی از فوتبال بیرون از زمین برگزار می‌شود و آنها که اینقدر باهوشند که حواسشان به چنین نکته‌ای باشد، عمده امتیازات خود را خارج از بازی‌ها کسب می‌کنند. در جاهایی که باید و به طریقی که باید، بخشی از این امتیازها در سالن‌های کنفرانس‌های مطبوعاتی قبل و بعد از بازی پخش می‌شود. آنها که بلدند، امتیاز یا احترام کسب می‌کنند. آنها که بلد نیستند، هر دورا با هم از کف می‌دهند.

با سقوط انسانی فوتبال ایران از استاندارد آدم‌هایی مثل پورحیدری، حجایی، یوری، شاهرخی، فرکی، علیید و سنی، کربکنندی، به عصر امثال ساکت الهامی‌ها، طبیعی است که کنفرانس‌های مطبوعاتی به جای تبدیل شدن به فرصتی برای کسب احترام بیشتر تبدیل شود به محلی برای سلاخی کردن مخالفان یا منتقدان یا حمله کردن به داوران یا بازیکنان حرفه‌ای! با خالی شدن فوتبال از عناصر انسانی ارزشمندی که در گذشته داشت و حالا خلأ آنها به شدت احساس می‌شود، ما روزگار دیگری را تجربه می‌کنیم. با حضور آدم‌هایی که کنفرانس مطبوعاتی برای آنها محلی است که بیشتر ضعف خود را به نمایش می‌گذارند. در غیاب داشتن هر گونه آیدئولوژی و عقیده سیاسی یا اجتماعی یا فلسفی، کنفرانس‌های مطبوعاتی تبدیل شده به محلی که جمعی از مربیان ما عقده‌های خود را به نمایش می‌گذارند و این تلخ‌ترین جنبه انسانی فوتبال ایران است. اینکه یادت باید قبلاً چه آدم‌هایی داشتیم که چه حرف‌هایی می‌زدند و چه مشی و مرامی داشتند و حالا... پناه بر خدا... امتیاز که بلد نیستید داخل یا خارج از زمین بگیری. احترام هم که بلد نیستید کسب کنید. دست‌کم احترام بقیه را نگه دارید. جای دوری نمی‌رود.

خواستی بیای به کنفرانس، به حرف تازه‌تر بزن!

ایمان گودرزی

روزنامهنگار

فوتبال ایران به نوعی سرزمین عجایب است، امروز نمی‌خواهیم زیاد وارد داستان‌های داوری و ورزشگاه‌های بی‌کیفیت و حواشی

تمام لیگ شویم و بحث فقط کنفرانس‌های مطبوعاتی بعد بازی سرمری‌هاست! شاید در همه جای دنیا کنفرانس مطبوعاتی بعد بازی جایی برای شنیدن توضیحات فنی و صحبت‌های مربیان در مورد نقاط قوت و ضعف بازی باشد اما در لیگ ایران کنفرانس مطبوعاتی بعد بازی

بیشتر جایی برای شعله‌ور شدن حاشیه‌های بازی و خبرهای زرد است. در لیگ ایران بازی‌ها معمولاً با گل دادن دو سرمری هنگام ورود به زمین و عکس یادگاری و ماج و بوسه‌آغاز می‌شود و در پایان با فحش و پرخاش و در برخی مواقع درگیری فیزیکی در کنفرانس و رختکن به

پایان می‌رسد. معمولاً کنفرانس‌های داخلی به دو قسمت تکراری و قابل پیش‌بینی تقسیم می‌شود، اگر سرمری تیمی محروم نباشد و قهر نکرده باشد و به کنفرانس بیاید شاید بالاترین نکته فنی که بخواهد در مورد بازی به شما بگوید این باشد که خوب بازی

کردیم، حریف هم خوب بازی کرد و ما مستحق برد بودیم، تریک به تیم و خدا حافظ شما! اگر باخته باشند خیلی زحمت بکشند خیلی مختصر در مورد مقصر بازی صحبتی خواهد شد که البته ۹۹ درصد مقصر داور بازی بوده است. وقتی مربی نتواند با سیاست در



مربیان ایرانی تقریباً در تمامی گفت‌وگوهای خود بویژه در نشست‌های خبری حرف‌هایی تکراری و کلیشه‌ای را استفاده می‌کنند که بارها و بارها در طول دوره مربیگری خود دیده‌اید. این تکرار و کلیشه‌ای‌ها در طول دوره مربیگری آنها از هفته‌ای به هفته دیگر تکرار شده. مصاحبه‌هایی که هستند و هیچ نکته تازه‌ای ندارند. گویی یک مصاحبه با یک کاربن چند بار مصرف شده چندین بار تکرار شده باشد؛ موبه موبه نعل به نعل. آنچه صدق می‌تواند در تحلیل کرد، آنچه صدق عینی جمله معروف «تا مرد سخن نگفته باشد...» است. تفاوت مربیان داخلی و خارجی را می‌توان در همین ادبیات و گفت‌وگوهای آنها جست‌وجو و لمس کرد. آنچه که مربیان ایرانی تقریباً در تمامی گفت‌وگوهای خود بویژه در

آنچه از زبان مربیان ایرانی خارج می‌شود گل‌واژه‌های شعر من...

آیسان سعیدی

روزنامهنگار

تفاوت از فاصله چند صد کیلومتری هویداست. حتی با چشمان بسته! شما نیاز نیست چهره‌ای ببینید یا سبک و مدل مربیگری آنها را رصد کنید. همین که دهان باز می‌شود، می‌توان شخصیت و کیفیت و کمیت سرمری را تحلیل کرد. آنچه صدق عینی جمله معروف «تا مرد سخن نگفته باشد...» است. تفاوت مربیان داخلی و خارجی را می‌توان در همین ادبیات و گفت‌وگوهای آنها جست‌وجو و لمس کرد. آنچه که مربیان ایرانی تقریباً در تمامی گفت‌وگوهای خود بویژه در

به کلیشه دل‌آزایی شده که شنیدن و خواندن مصاحبه‌های مربیان در نشست‌های مطبوعاتی قبل و بعد از هر بازی لیگ را بدل به زجرآورترین و ملال‌آورترین کار دنیا کرده. این اما تازه روی خوشایند سکه است. آنچه که تکرار واژه‌ها و حرف‌ها و عبارات روی زیبای ماجرا را عیان می‌کنند و روی رشت و پلشت آن در سمت دیگر سکه است. آنچه که مربیان فوتبال سخیف‌ترین و حتی رکیک‌ترین واژه‌ها و جملات را در نشست‌های رسانه‌ای بدون خجالت به کار می‌برند. آنچه برای مخاطب و شنونده یک توهین تمام‌عیار است. آنها که در گفت‌وگوهای خود بدون واژه‌ها و بدون شرمساری عبارات شنیع و رکیکی را در

نقد حریف و رقیب استفاده می‌کنند که ابتدا توهین به مخاطب است و سپس حریف را می‌نوازند. رفتاری که مدت‌هاست باب شده و از نطفه‌های ناسالم تا تجاوز با واژه رکیک انگلیسی تا مدفوع در نشست‌های مطبوعاتی مطرح می‌شود. گویی اینجا چاله میدان است که در آن بر زبان راندن هر واژه‌ای مجاز است! شگفتی زمانی کاملتر می‌شود که مصاحبه‌های مربیان و طنی و نشست‌های مطبوعاتی آنها را با همین خارجی‌های شاغل در ایران قیاس می‌کنیم. همان‌هایی که در ایران راه و رسم زندگی و مربیگری را آموخته‌اند و می‌دانند در این فوتبال بی‌مایه صحبت از تاکتیک و سیستم بی‌معناس است

در میان جملات آنها همیشه نکات بدیع و تازه‌ای وجود دارد که شنونده و خواننده را سر ذوق می‌آورد. آنها که در ایران، ایرانی بازی را فرا گرفته‌اند اما این سلوک هم سبب نشده تا آنها در مصاحبه‌هایشان به سبک مربیان ایرانی گل‌واژه‌های رنگارنگ و زشت بر زبانشان جاری شود. قیاس آنچه در ایران رخ می‌دهد با خارج از ایران یک شوخی مضحک به سبک فیل و فنجان است اما این بساط عجیب و شنیع در فوتبال ایران با مربیان خارجی شاغل در ایران نیز به اندازه‌ای تلخ و تأثیربرانگیز است که نمی‌توان آن را هضم کرد. اتمسفری که باید تغییر کند. بله، تغییرات همیشه از همین جزئیات به ظاهر ساده اما کلیدی آغاز می‌شود.

نگاه

احترام؛ گمشده سالن کنفرانس

سینا فتوت

روزنامهنگار

فوتبال دارند و قطعاً از ارتباطات اجتماعی سرشته‌هایی به دست آورده‌اند اما آنها با نسل پیش از خود، تفاوت چندانی ندارند غیر از اینکه چند اصطلاح انگلیسی یاد گرفته‌اند و در کنفرانس‌ها بیان می‌کنند. آنها تأثیر رسانه‌ها را درک نکرده‌اند و کتاب‌های تخصصی نخوانده‌اند. مورینیو در کتاب خاطراتش نوشته: «بازی برای من، از یک روز قبل آغاز می‌شود، دقیقاً از داخل سالن کنفرانس!» و این جمله تاریخی اگر توسط مربیان وطنی درک می‌شد،

اتفاقات دیگری در فوتبال رقم می‌خورد. احترام یعنی حضور در سالن کنفرانس، پوشش مناسب، طرز بیان خوب و جذاب، استفاده از کلمات و جملات صحیح، ارتباط حرفه‌ای با خبرنگاران، پاسخگویی شفاف، صحبت در خصوص شرایط بازی و عدم مصاحبه علیه داوران، فدراسیون، سازمان لیگ و سایر مسئولان برگزارکننده بازی. کدام یک از این اصول، توسط مربیان رعایت می‌شود؟ هیچ کدام و چه داستان غم‌انگیزی است.

کمی احترام لطفاً

امیررضا همایون

روزنامهنگار

کنفرانس‌های خبری پس از مسابقه در لیگ برتر فوتبال ایران با همه جای دنیا متفاوت است، نشست‌هایی که در همه جای دنیا در کمال نظم و ترتیب و احترام برگزار و از سوی مربیان تیم‌ها هم‌جداً گرفته می‌شود. اتفاقی که اما در فوتبال ایران کاملاً برعکس است، به گونه‌ای که سرمریان تیم‌های لیگ برتری از استقلال و پرسپولیس گرفته تا نفت آبادان هیچ‌کدام احترامی برای آن نشست و عوامل برگزاری آن از جمله خبرنگاران که به‌عنوان رکن اصلی هر نشست مطبوعاتی به شمار می‌آیند، قائل نیستند و در بسیاری از موارد با دلایل غیرمنطقی و غیرقابل قبول از جمله دیر رسیدن پرواز تیم‌شان به شهر محل برگزاری مسابقه از حضور در کنفرانس مطبوعاتی پیش از مسابقه خودداری می‌کنند. بعضاً دیده شده که بسیاری از مربیان در کنفرانس‌های مطبوعاتی پس از برگزاری مسابقه که از نشست‌های پیش

از مسابقه هم مهمتر هستند، باز هم به بهانه تداخل زمان پرواز تیم‌شان از حضور در نشست خبری پس از مسابقه خودداری می‌کنند. این رفتار و این بی‌احترامی چند پرسش اساسی را به اذهان مخاطبان در فوتبال ایران متبادر می‌کند. زمان نشست معمولاً از دوالی سه روز پیش از آغاز مسابقه به اطلاع مسئولان دو تیم می‌رسد. بنابراین آیا آنها نمی‌توانند بلیت پرواز خودشان را به گونه‌ای تهیه کنند که تداخلی با برگزاری نشست مطبوعاتی تیم‌شان ایجاد نکند یا اینکه تنها دیوار خبرنگار و عوامل برگزارکننده آن نشست کوتاه است که مسئولان مربوطه احترامی برای آنها قائل نمی‌شوند؟ ای کاش سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال قانونی منسجم وضع کنند تا سرمریانی که در کنفرانس‌های مطبوعاتی پیش و پس از مسابقه شرکت نمی‌کنند، با محرومیت‌های طولانی مدت از همراهی تیم‌شان در مسابقات رسمی

روبه‌رو شوند. البته سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال طی چند سال گذشته در همین زمینه اقداماتی از جمله جریمه نقدی سرمریان غایب در نشست‌های مطبوعاتی را تصویب کرد که البته با توجه به رقم نجومی قراردادهای سرمریان تیم‌های لیگ برتری تا حدود زیادی ناکام ماند. موضوعی که نشان داد سؤل نشینان باید برای حل این مشکل به دنبال راه حل بهتری باشند. خبرنگار و هوادار فوتبال تنها چیزی که می‌خواهد کمی احترام است، نکته‌ای که در فوتبال ایران کم شده است.

